



مناقشه بر سر تامین انرژی؛ مطالعه موردی روابط روسیه و اتحادیه اروپا

دکتر آرمین امینی* - حسین نوشادی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۲ و تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۵/۱۳)

چکیده

بحث انرژی و تامین با ثبات و ارزان قیمت آن به عنوان یکی از مهمترین دغدغه های کشورهای پیشرفته صنعتی تبدیل شده است. وابستگی صنعت و نیاز مصارف خانگی هر یک از این کشورها موجب شده است تا آمریکا و کشورهای اروپایی به دنبال دستیابی به منابع و ذخایر انرژی به ویژه گاز از طریق جنگ و یا مذاکره باشند. مساله انرژی یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار در روابط روسیه و اتحادیه اروپا می باشد، نیاز روز افزون اتحادیه اروپا به انرژی از یک سو و برخورداری فدراسیون روسیه از منابع غنی انرژی باعث شده است که آینده روابط روسیه و اتحادیه اروپا بیش از پیش به انرژی وابسته باشد. روسیه همواره خواهان وابسته نگه داشتن اتحادیه اروپا به انرژی خود به ویژه گاز طبیعی بوده است و اروپا به دنبال راهی برای تثبیت و تضمین همیشگی صادرات گاز روسیه و از سوی دیگر به دنبال متنوع

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه روابط بین الملل، کرج، ایران.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه روابط بین الملل، کرج، ایران.

ساختن منابع و راه های جدید تامین انرژی مورد نیاز خود برای کسب قدرت چانه زنی در برابر روسیه می باشد.

کلید واژگان

منشور انرژی، بازوی روسی، خط لوله ناباکو، قدرت چانه زنی.

مقدمه

به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق بسیاری از کارشناسان بر این باور هستند که هدف آمریکا از حضور در منطقه خاورمیانه تسلط بر منابع انرژی این منطقه می باشد. گاز طبیعی یک سوخت نسبتاً تمیز در مقایسه با سایر سوخت های فسیلی است و در معادله عرضه و تقاضا انرژی آمریکا این سوخت نقش تاثیرگذاری ایفا خواهد کرد. نیروگاه های آمریکا برای اینکه گازهای گلخانه ای کمتری تولید کنند به استفاده از گاز طبیعی روی آورده اند و دیگر تمایلی به استفاده از ذغال سنگ، نفت و سایر سوخت های فسیلی ندارند. به همین دلیل هر روز تقاضا برای گاز طبیعی افزایش می یابد.

با گذشت زمان هم آمریکا و هم کشورهای اروپایی به دلایل زیست محیطی و امنیت انرژی وابستگی بیشتری به گاز طبیعی پیدا می کنند. این کشورها در آینده برای دریافت صادرات گاز طبیعی ایران و روسیه با یکدیگر رقابت خواهند کرد.

یکی از اولویت های آمریکا در برنامه ریزی برای آینده انرژی خود دستیابی به ذخایر گاز طبیعی ارزان قیمت، انبوه و باثبات است. با توجه به دور افتاده بودن آمریکا (از نظر فاصله) با سایر کشورها، انتقال گاز طبیعی با لوله تقریباً متفی است. به همین دلیل واردات گاز آمریکا باید به صورت گاز طبیعی مایع شده انجام شود. (فلورنس اس فی: ۲۰۰۳/۷)

اتحادیه اروپا از جمله دیگر مصرف کنندگانی می باشد که به دنبال دستیابی به ذخایر گاز طبیعی ارزان قیمت، انبوه و باثبات است، و بدلیل توانایی روسیه در برخورداری از تکنولوژی استخراج، بهره برداری و لوله کشی به اروپا، اتحادیه اروپا به دنبال برقراری روابط دائمی با روسیه و کشورهای برخوردار

از این توانایی می باشد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط روسیه و اتحادیه اروپا روابط پر فراز و نشیبی را سپری کرده است. به نحوی که در یک برهه زمانی منافع روسیه و اتحادیه اروپا مشترک، و در زمان دیگر اهداف و سیاست های روسیه با اتحادیه اروپا اختلاف زا و چه بسا متعارض بوده است. یکی از مسائلی که موجب شکل گیری سیاست های مشترک و متعارض میان اتحادیه اروپا و روسیه می شود مسئله انرژی و وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی گاز و نفت در اختیار روسیه می باشد. تا جایی که پیش بینی ها حاکی از آن است که از سال ۲۰۳۰ به بعد، این اتحادیه مجبور به واردات بیش از ۷۰ درصد انرژی خود خواهد بود و این به منزله آسیب پذیری آن در رقابت های جهانی است و رویای رهبران اروپا در تبدیل شدن به یکی از بلوک های مهم تأثیر گذار در جهان چند قطبی را با تردید روبرو خواهد ساخت (وحیدی، ۱۳۸۵: ۷۲) لذا هدف رهبران اروپا و اتحادیه اروپا دستیابی به یک قرارداد الزام آور با روسیه جهت عرضه یا ثبات انرژی و فراهم کردن زمینه دستیابی شرکت های اروپایی به بازار انرژی این کشور و همچنین تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی و مسیرهای انتقال آن و توجه به دو منطقه مهم خزر و خاورمیانه است.

الف) منشور انرژی

روسیه منشور انرژی را در سال ۱۹۹۱ با ۵۰ کشور امضا کرد، (Rettmana, 2006) اما تا کنون از تصویب این منشور خودداری کرده است. در این منشور بر سرمایه گذاری شرکت های خارجی در بازار و خطوط انرژی روسیه تأکید شده است. در صورت تصویب آن، انحصار کرملین بر منابع گازی این کشور و آسیای مرکزی شکسته خواهد شد. رهبران اتحادیه اروپا از دیرباز سعی داشته اند روسیه را قانع کنند این منشور را تصویب کند، اما هرگز موفق به این کار نشده اند. پوتین در زمان ریاست جمهوری تلویحا بعد از اجلاس ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ با رهبران اروپا اظهار داشت که در صورت اصلاح برخی از مفاد این منشور، ممکن است این کشور آن را در آینده امضا کند. (International Herald.Tribune 20/10/2006) این اجلاس خوزه مانوئل بارسو، رئیس کمیسیون اروپایی نیز خواستار اعتماد سازی طرفین نسبت به یکدیگر شد که تحقق آن نیازمند شفافیت، همکاری متقابل و بازارهای باز است. (Euractiv, 20/11/2006) در سند منشور انرژی تأکید شده (Rettmana 2006) که مشارکت در مسائل

انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه، باید بر اصولی همچون عدم تبعیض، قابل پیش بینی بودن و امنیت عرضه گاز در طولانی مدت، دسترسی متقابل به بازار و زیر ساخت ها و شفافیت متقابل برای سرمایه گذاری و با توجه به احترام به قوانین رقابتی و مفاد منشور انرژی استوار باشد.

ب) سیاست خارجی مبتنی بر ابزار انرژی

روسیه همواره از انرژی به عنوان ابزاری مناسب برای بازسازی قدرت خود در سطح بین الملل و زیر ساخت های داخلی خود استفاده می کند، از زمان ریاست جمهوری پوتین به ویژه در دوره دوم همواره از انرژی برای تامین نیازهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی استفاده شده است و انرژی عاملی بوده تا اروپا و ناتو سیاست های معقولانه ای در قبال روسیه اتخاذ کنند و موجب پدید آمدن قدرت چانه زنی برای روسیه در قبال اتحادیه اروپا شده است. در روزهای آغازین سال ۲۰۰۷ میلادی، نمود جدیدی از اهرم فشار روسیه برای کنترل بر مسیرهای انتقال انرژی است که باعث نگرانی اروپا شد. روسیه مقامات مینسک را تحت فشار گذاشته است تا با افزایش بهای گاز دریافتی از روسیه از ۴۵ دلار به ۲۰۰ دلار در هزار متر مکعب موافقت کنند و یا اینکه بهای ۱۰۵ دلار را بپذیرند و در مقابل ۵۰ درصد سهام سامانه خطوط لوله گاز «بلترانسگاز» خود را به گازپروم واگذار کنند. بلاروس در واکنش به اقدام روسیه تعرفه گمرکی محصولات نفتی روسیه از خاک این کشور به اروپا از طریق خط لوله دروژبا را افزایش داد که منجر به قطع صادرات موقتی نفت به اروپا و نگرانی رهبران اروپا شد. اگر چه سرانجام طرفین با امضای موافقتنامه بین نخست وزیران دو کشور به توافق رسیدند، (ایرنا، ۱۳۸۵/۱۰/۲۳) هدف اصلی روسیه از این اقدام، کنترل بر وضعیت انتقال انرژی در منطقه تحت نفوذ خود بوده است.

پ) سیاست خارجه روسیه در قبال اروپا

پس از فروپاشی شوروی روسیه به عنوان جانشین ابرقدرت سابق در مناسبات بین المللی مطرح گردید، روسیه همواره با تغییرات مداوم روبرو بوده است و سیاست خارجی روسیه مبتنی بر روابط با اتحادیه اروپا بسته به شرایط داخلی دارای شرایط گوناگون بوده است.

ت) نگاه اتحادیه اروپا به روسیه

پس از عضویت روسیه در شورای مشترک ناتو- روسیه حجم مبادلات روسیه با اتحادیه اروپا افزایش چشمگیری پیدا کرده است. حجم مبادلات تجاری روسیه با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ به ۸۲/۱ میلیارد یورو رسید و در مقام مقایسه با سال ۲۰۰۱، ۲۶/۹ درصد افزایش نشان می داد و به نظر می رسد که دولت های عضو اتحادیه اروپا نیز نسب به افزایش حجم مبادلات تجاری با روسیه، دیدگاهی مثبت داشته باشند، به گونه ای که در سال ۲۰۰۴ حجم مبادلات تجاری ۹۳/۲ میلیارد یورو و در سال ۲۰۰۵ در حدود ۹۶ میلیارد یورومی رسد. (europa.eu)

در فاصله سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا پس از آمریکا، ژاپن، سوییس، چین و نروژ ششمین صادر کننده عمده به روسیه بود که احتمال دارد با توجه به روند فعلی و عضویت احتمالی روسیه در اتحادیه اروپا همراه با عضویت در شورای مشترک ناتو- روسیه، اتحادیه اروپا جایگاه مهم تری را در مبادلات تجاری با روسیه، به خود اختصاص دهد و با توجه به علاقه هر دو طرف به این مهم، حجم و میزان مبادلات افزایش یابد.

پس از عضویت روسیه در شورای مشترک ناتو- روسیه، حجم مبادلات تجاری روسیه طی سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲، با اتحادیه اروپا به ۹۱/۲ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است، و به نظر می رسد با توجه به عضویت روسیه در گروه کشورهای صنعتی G8 و دریافت وام بیست میلیارد دلاری دولت روسیه از دولت های غربی به ویژه آمریکا، روند رو به افزایش مبادلات تجاری روسیه و اتحادیه اروپا ادامه داشته باشد. (امینی، ۱۳۸۸، ۱۰۴)

در زمینه صادرات گاز و نفت روسیه به اتحادیه اروپا که از مهمترین موارد مبادلات تجاری اتحادیه اروپا با روسیه قلمداد می گردد، نیز در سال ۲۰۰۴ حدود ۴۲ درصد واردات نفت اتحادیه اروپا از روسیه بوده است و واردات گاز از آن کشور بیش از ۴۳ درصد بوده است. که در سال ۲۰۰۵ نیز به نظر می رسد که اتحادیه اروپا مقصد اصلی هشتاد درصد صادرات نفت و گاز دولت پوتین باشد.

دولت فدراتیو روسیه نسبت به افزایش حجم مبادلات تجاری با اتحادیه اروپا بسیار تاکید داشته و معتقد است که جای هیچگونه نگرانی عمده ای وجود ندارد، البته آنچه گفتنی است، آنست که روسیه ۱۶۰ میلیارد دلار به اتحادیه اروپا بدهی دارد و نیاز روسیه به سرمایه گذاری اروپا، اهرم فشار عمده اتحادیه

اروپایی بر مسکو تلقی می گردد.

در هر حال با توجه به روند کنونی افزایش حجم مبادلات تجاری مابین روسیه و اتحادیه اروپا، احتمال دارد در آینده ای نزدیک اروپا پس از آمریکا بزرگ ترین صادر کننده و وارد کننده کالا به روسیه باشد و جایگاه مهم ژاپن، سوییس، چین و نروژ را به خود اختصاص دهد و روسیه نیز بدین سان مقام دوم را پس از ایالات متحده آمریکا در همکاری تجاری با اتحادیه اروپا کسب نماید. (همان، ۱۰۵)

ث) پیوستن احتمالی روسیه به اتحادیه اروپا

با عضویت روسیه در شورای مشترک ناتو- روسیه والحاق احتمالی به پیمان آتلانتیک شمالی، به نظر می رسد دولت روسیه با استفاده از امکانات و ساز و کارهای سیاسی، امنیتی ناتو، به گونه ای جایگاه و اهمیت روسیه را به عنوان یک قدرت اوراسیای که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت، در عرصه اروپا افزایش دهد. (همان، ۱۰۲) با توجه به اینکه از نظر جغرافیایی با گسترش اتحادیه اروپا در مه ۲۰۰۴ روسیه با پنج کشور این اتحادیه همسایه شده است که دو کشور از آن ها (استونی و لتونی) اقلیت های روسی عمده ای سکونت دارند، منطقه کالینینگراد روسیه و اتحادیه اروپا به ۲۲۰۰ کیلومتر رسیده است و ضرورت همکاری با اتحادیه اروپا که در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه، مصوب سال ۲۰۰۰ بر آن تاکید شده است که اروپا پس از منطقه خارج نزدیک به عنوان اولویت دوم سیاست خارجی روسیه می باشد؛ دولت روسیه برای عضویت در جمع کشورهای عضو اتحادیه اروپا، تمایل فراوانی دارد و به عقیده بسیاری از دولتمردان اروپایی از جمله سیلویو برلوسکونی با وجود تمام انتقاد های داخلی و بین المللی نسبت به روسیه در اتحادیه اروپا، این مساله اجتناب ناپذیر است. از سوی دیگر ولادیمیر پوتین طی کنفرانس مطبوعاتی در کرملین با اشاره به حمایت و استقبال روسیه از گسترش اتحادیه اروپا به عنوان یکی از عوامل بهبود روابط اروپا به روسیه گفت: «گسترش اتحادیه اروپا هم به نفع روسیه است و هم به سود اروپا. (روزنامه ابرار، ۱۳۸۱، ۱۲) در واقع پوتین امیدوار بود با عضویت در اتحادیه اروپا راه روسیه را برای عضویت در سازمان تجارت جهانی هموار سازد.

پایه روابط اتحادیه اروپا با روسیه که بر اساس قرارداد مشارکت و همکاری در سال ۱۹۹۴ و راهبرد مشترک در سال ۱۹۹۹ می باشد، همکاری متقابل مسایل در فناوری، انرژی، حمل و نقل همگرایی روسیه

در فضای مشترک اجتماعی، اقتصادی سیاسی اتحادیه اروپا و نیز تلاش و همکاری روسیه در حفظ امنیت وثبات اروپا، را شامل می شود که از همین جهت پیوستن روسیه به ناتو می تواند برای اعضای اتحادیه اروپا، از نظر مقولات امنیتی بسیار مهم ارزیابی گردد. نکته دیگر آنکه اتحادیه اروپا در قالب طرح کمک رسانی فن آوری روز نیز با روسیه از سال ۱۹۹۱ تعاملات گسترده ای را برقرار کرده است. «البته این نظرات با رویکرد بعضی کشورها همانند لیتوانی و لهستان که طرفدار جنگ سرد جدید با روسیه می باشند مغایر می باشد، این دسته از کشورها خواهان بکارگیری نفی و ممانعت از هرگونه مذاکره اروپا با

روسیه هستند» (Leonard and Popescu, 2007:2)

در واقع با توجه به اهمیت روسیه برای اتحادیه اروپا به عنوان تامین کننده انرژی و عضویت روسیه در شورای مشترک ناتو- روسیه، اتحادیه اروپا حساب ویژه ای را برای دولت روسیه در سیاست های آتی خود اختصاص داده است و از سوی دیگر روسیه نیز گرایش فراوان دارد تا با عضویت در اتحادیه اروپا، ساختار اقتصادی ضعیف خود را بهبود بخشیده و پاره ای از مشکلات مالی از جمله کسر بودجه هر ساله خود را رفع نماید و اتحادیه اروپا را سکوی پرتاب برای سازمان تجارت جهانی می داند. از این رو روابط روسیه و اتحادیه اروپا علی رغم پیشرفت های که داشته همچنان با چالش های زیادی نیز مواجه می باشد به عنوان نمونه تحریم نوزده ماهه واردات گوشت از لهستان، اعمال مجازات اقتصادی و تحریم نفتی علیه استونی، مخالفت با استقرار طرح سپر دفاع ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک، تعلیق عضویت در پیمان تسلیحات متعارف، به رسمیت شناختن استقلال کوزوو از سوی اروپا، جنگ روسیه با گرجستان و به رسمیت شناختن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی، قطع گاز صادراتی روسیه به اروپا در زمستان ۲۰۰۸، تصمیم سران اتحادیه اروپا در خصوص گنجاندن بلاروس در برنامه «مشارکت با شرق»، اختصاص سرمایه لازم برای تحقق طرح خط لوله «ناباکو»، اعلام آمادگی اتحادیه اروپا برای سرمایه گذاری در مدرنیزه سازی شبکه انتقال گاز اوکراین به شرط دسترسی به خطوط لوله انتقال گاز و... از جمله مسائلی هستند که طی سال های اخیر بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا سایه انداخته اند. به همین سبب نیز روسیه و اتحادیه اروپا، برای حفظ و کنترل روابط خود با طرف دیگر، تمهیدات خاصی را در نظر گرفته اند که به آنها اشاره می شود. (بهمن، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۰)

ج) سیاست های روسیه برای حفظ انحصارات انرژی

همواره روسیه در بازار انرژی اتحادیه اروپا به دلیل برخورداری از غنی ترین و بادوام ترین ذخایر گاز و نفت و نیز قرابت جغرافیایی با آن اتحادیه تقریباً از مزیت انحصاری برخوردار است. اتحادیه اروپا چاره ای جز اتکاء به صنعت انرژی روسیه ندارد. خصوصاً آنکه بر اساس پیش بینی های به عمل آمده تا سال ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا با کاهش ۱۷ درصدی در ظرفیت تولید داخلی و افزایش ۱۵ درصدی سوخت های فسیلی روبرو خواهد بود. از این رو روسیه به دنبال حفظ شرایط کنونی و ایجاد انحصارات انرژی و تحت فشار گذاشتن اروپا از راه های گوناگون برای کسب امتیازات بیشتر می باشد:

۱- بازوی روسی

روس ها تا کنون چندین بار در برابر اتحادیه اروپا به «بازی روسی» دست زده اند. مطابق با «بازوی روسی»، مالک منبع انرژی در سخت ترین شرایط، عرضه این منبع را به مصرف کنندگان متوقف می کند و تقاضای قیمت بالا تر می نماید. در چنین موقعیتی اغلب کشورها مجبور به پذیرش قیمت پیشنهادی قیمت می شوند و در صورتی که آن کشور قیمت جدید را نپذیرند، از فهرست شرکای تجاری مالک منبع انرژی خارج می شود. طی سالهای گذشته، کشورهای اوکراین و بلاروس مهم ترین قربانیان «بازی روسی» بوده اند. (شعیب، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

۲- کنترل مسیرها و معاملات گازی

روس ها با خرید گاز کشورهای منطقه، سعی کرده اند از یک سو ایجاد رابطه مستقیم میان کشورهای منطقه با اروپا منتفی نموده و همچنان به عنوان یک واسطه میان منطقه و اروپا به ایفای نقش بپردازد و از سوی دیگر حاکمیت انحصاری خود در خصوص صادرات انرژی به اروپا را نیز حفظ نمایند. ضمن آنکه روس ها با خرید گاز کشورهای نظیر ترکمنستان به قیمتی ارزان و فروش آن به بالا تر در بازار، درآمد قابل توجهی نیز از نقل و انتقال کسب کرده اند. (به عنوان نمونه در شش ماهه نخست سال ۲۰۰۸ روسیه در ازای هر ۱۰۰۰ متر مکعب گاز به ترکمنستان ۱۳۰ دلار پرداخت کرده و در عوض هر ۱۰۰۰ متر مکعب گاز خود را به قیمت ۳۷۰ دلار به کشور های اروپایی فروخته است.)

به طور کلی شرکت های نفتی روسیه در به دست آوردن مالکیت بخش های زیر ساخت های انرژی سایر کشور ها علاقه مند هستند. در ماه مه ۲۰۰۷، روسیه به توافقی درباره نوسازی لوله های گاز آسیای

مرکزی که از زمان شوروی باقی مانده اند و همچنین تداوم آنها تا دریای خزر که لوله های گازی روسیه در آنجا قرار دارند، دست یافت. در نیمه های سال ۲۰۰۸ نیز «گازپروم» موفق به کنترل تمام مراحل از قبیل توسعه میادین کشف گاز، ساخت خطوط لوله و عملیات انتقال شد. علاوه بر این روس ها سعی کرده اند کنترل منابع انرژی در خاک خود را نیز افزایش دهند. به نحوی که در دسامبر ۲۰۰۶، شرکت نفتی «شل»، سهم ۲۰ میلیارد دلاری خود در پروژه «ساخالین ۲» را به گازپروم واگذار کرد (Smith, 2007: 8) همواره اتحادیه اروپا از روسیه خواسته تا میادین انرژی خود را بر اتحادیه بگشاید ولی مقامات روس امتناء کرده و خواهان کنترل مسیر ها و معاملات گازی بوده اند.

۳- تشکیل اوپیک گازی

راه کار دیگر روس ها برای حفظ انحصارات تشکیل اوپیک گازی است که با مخالفت مقامات اروپایی روبرو شده است. زیرا تشکیل اینگونه تشکل ها باعث افزایش قیمت و ایجاد قدرت چانه زنی برای فروشندگان می شود و در مقابل تهدیدی برای کشورهای مصرف کننده می باشد. افزایش قیمت گاز می تواند عواقب شدیدی همچون افزایش هزینه تمام شده محصولات اروپایی و ناتوان شدن برای رقابت با کشورهای تولید کننده همان محصولات که از منابع انرژی برخوردار می باشند، برای آینده تولیدات اروپا در بر داشته باشد.

چ) تمهیدات اتحادیه اروپا برای مقابله با سیاست های انحصاری روسیه

تنش ها بین روسیه و اوکراین و قطع صدور گاز به اروپا در اوایل سال ۲۰۰۹ سراسر این قاره را در یک بهت سرد فرو برد و لزوم خروج از وابستگی به مسکو در عرصه انرژی را به آنها گوشزد کرد. صادرات گاز روسیه به اوکراین و اروپا که بار دوم از اوایل سال ۲۰۰۹ قطع شد، بار دیگر زنگ خطر را برای کشورهای اروپایی به صدا درآورد که نه روسیه شریک قابل اعتمادی برای تامین انرژی اروپاست و نه مسیر های سنتی و موجود می تواند مسیر های مطمئنی باشد، گر چه شرکت گاز پروم مدعی است اوکراین مقصر وقفه و کاهش میزان گاز انتقالی به اروپا است، چرا که این کشور برای تامین نیاز خود از خط لوله انتقال گاز به اروپا که از خاک این کشور می گذرد، گاز سرقت می کند. بر اساس ادعای روسیه، خودداری اوکراین از تسویه بدهی دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری بابت خرید گاز به روسیه و

مخالفت «کیف» با قیمت جدید پیشنهادی روسیه برای گاز صادراتی و همچنین سرقت ۸۶ میلیون متر مکعب گاز ترانزیتی روسیه به کشورهای اروپایی، مسکو را وادار به اتخاذ سیاست تنبیهی علیه کیف کرد که بر اثر اختلاف دو کشور، صادرات گاز روسیه به ۱۷ کشور اروپا متوقف شد. (اطلاعات، ۲/۷ ۱۳۸۹۲)

علی‌رغم آنکه روسیه سعی دارد در دراز مدت خود را به عنوان یک شریک بازرگانی قابل اطمینان و صلح‌جو معرفی نماید، با این حال کشورهای اروپایی به این موضوع با دیده تردید می‌نگرند و از قطع صدور گاز به لهستان و روسیه سفید در سال ۲۰۰۴ به عنوان نمونه‌ای یاد می‌کنند که امکان دارد برای سایر اعضای اتحادیه اروپا نیز اتفاق بیافتد. (Liechtenstein, 2007: 5) در واقع اتحادیه اروپا به خوبی از آینده وضعیت خود و وابستگی به انرژی آگاه می‌باشند، از این رو سیاست‌های خاصی را برای خارج شدن از وابستگی سنتی به روسیه دنبال می‌کنند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- خط لوله ناباکو

اتحادیه اروپا همواره به دنبال کاهش نقش روسیه از طریق ایجاد راه‌های جدید همچون طرح خط لوله «ناباکو» می‌باشند، خط لوله ناباکو به طول ۳۳۰۰ کیلومتر که گاز را از آذربایجان و سایر کشورهای آسیای مرکزی به قلب اروپا می‌آورد، حمایت می‌کند. قرارداد خط لوله ناباکو به تازگی با حضور نمایندگان ۲۰ کشور جهان در شهر آنکارای ترکیه به امضا رسید و قرار است آذربایجان، ازبکستان و ترکمنستان گاز مورد نیاز این خط لوله را تامین کنند. (ایراس، ۱۳۸۸/۴/۲۸)

۲- تهدید روابط اقتصادی

همان‌طور که اشاره شد در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا پس از آمریکا، ژاپن، سوییس، چین و نروژ ششمین صادرکننده عمده به روسیه، دارای تعاملات تجاری مثبتی بوده ولی این روابط اقتصادی به خودی خود توان تبدیل به فشار اقتصادی علیه روسیه را هم دارد.

۳- استراتژی کریدور جنوب- جاده ابریشم جدید

اتحادیه اروپا همچنین امسال استراتژی «کریدور جنوب- جاده ابریشم جدید» را در پیش گرفت و تلاشی نیز برای پنهان نمودن آن از روسیه نکرد. این استراتژی برای توسعه فوق‌العاده، افزایش جاده‌ها و ارتباطات ریلی و نیز خطوط لوله بین ناحیه خزر و اروپا جهت گیری شده است. این اتحادیه به این دلیل که آسیای مرکزی قابلیت تبدیل به مسیر صادرات جدیدی برای یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان

انرژی در جهان - اتحادیه اروپا- را دارد، هزینه ساخت این پروژه‌ها را خواهد پرداخت. استراتژی اتحادیه اروپا همچنین دست کشورهای آسیای مرکزی را در مذاکره با روسیه بازتر خواهد کرد. (عطری، فاطمه: ۱۳۸۸)

۴- انتقال مستقیم گاز از ایران

ساخت خط لوله یک هزار و ۸۵۰ کیلومتری نهم سراسری برای صدور مستقیم گاز ایران با سرمایه گذاری بیش از یک میلیارد و ۳۲۵ میلیون یورویی آغاز شده است، بر این اساس این خط لوله به منظور صدور مستقیم گاز تولیدی فازهای میدان مشترک پارس جنوبی به ترکیه و سپس اروپا در چهار قطعه باید در مدت سه سال در مدار بهره برداری قرار بگیرد.

ظرفیت انتقال گاز طبیعی خط لوله نهم سراسری حدود ۱۱۰ میلیون متر مکعب در روز بوده که قرار است در ۴ قطعه اهواز- عسلویه به طول ۶۰۵ کیلومتر، اهواز- کرمانشاه به طول ۴۶۱ کیلومتر، کرمانشاه- میاندوآب به طول ۳۴۸ کیلومتر و میاندوآب- مرز بازرگان به طول ۴۳۶ کیلومتر ساخته شود. از سوی دیگر با موافقت نمایندگان ویژه رئیس جمهور ایران مقرر شده است که به منظور افزایش پایداری انتقال گاز طبیعی به مشتریان اروپایی هیچ گونه انشعابی از خط لوله نهم سراسری به شبکه شهری و روستایی کشور کشیده نشود. برای تامین مالی ساخت این خط لوله انتقال گاز، ۲ تاسیسات تقویت فشار گاز و سایر تاسیسات جانبی مقرر شده که بیش از ۸۲۵ میلیون یورو از محل منابع داخلی وزارت نفت و مبلغ ۵۰۰ میلیون یورو از محل فاینانس به این طرح گازی اختصاص داده شود. هم‌اکنون قراردادهای صادرات گاز ایران به ترکیه و ارمنستان عملیاتی شده، قرارداد فروش گاز به ای جی ال سوئیس باید تا پایان سال جاری میلادی عملیاتی شود.

در حال حاضر ایران با در اختیار داشتن بیش از ۲۹ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی به تنهایی ۱۶ درصد از کل ذخایر گاز جهان را به خود اختصاص داده است و این در حالی است که در شرایط فعلی سهم ایران در تجارت جهانی گاز (با در نظر گرفتن گاز وارداتی ترکمنستان) بین یک تا دو درصد برآورد شده است. پیش از این نیز مسئولان وزارت نفت عدم حضور ایران در طرحهای بزرگ صادرات گاز به اروپا همچون خط لوله ناباکو، خط لوله گاز ترانس عرب (عراق- سوریه- اردن- ایتالیا) و اخیراً خط لوله آی جی بی (آذربایجان- ترکیه- یونان- بلغارستان) مسائل سیاسی و اعمال فشار برخی از کشورهای

غربی اعلام می کردند. (نفت نیوز: ۱۳۸۹/۳/۱۸)

۵- استفاده از انرژی های نوین

انرژی های نوین شامل انرژی خورشید، باد، هیدروژن، اتم، انرژی هسته‌ای و... هستند، این روزها کشور های صنعتی به دنبال صرفه جویی در مصرف انرژی می باشند و دانشمندان بیشترین تلاش خود را صرف پیدا کردن راه هایی برای بدست آوردن انرژی بیشتر و ارزانتر می کنند و از باد، خورشید، جزر و مد دریاها و انرژی موجود در اتم ها و... نیز مدد می جویند. اما واقعیت اینست که انرژی های نوین تا کنون نتوانسته اند جایگزین مناسبی برای انرژی های قدیمی بویژه سوخت های فسیلی نفت و گاز باشند.

نتیجه گیری

برخی از تحلیل گران روابط بین الملل بر این اعتقادند یکی از مهمترین اهداف آمریکا از حمله به افغانستان و عراق دستیابی به ذخایر و منابع انرژی منطقه خاورمیانه می باشد و همواره تحلیل گران روابط بین الملل معتقدند به دلیل نیاز روز افزون آمریکا و کشور های صنعتی اروپا به منابع عظیم و ارزان قیمت انرژی جنگ ها و مناقشات آینده بر سر انرژی می باشد، از این رو می توان گفت آینده روابط کشور ها مبتنی بر تعاملات وابسته به انرژی می باشد. روابط روسیه و اتحادیه اروپا همواره تحت تاثیر این مهم می باشد، از یک طرف روسیه دارای منابع گسترده انرژی و در طرف دیگر اتحادیه اروپا به دلیل حجم بالای تولیدات صنعتی، وابستگی شدید به منابع انرژی گاز و نفت روسیه با قیمت واقعی دارد، روسیه با علم بر این موضوع همواره از انرژی به عنوان قدرتی برای چانه زنی بیشتر در روابط سیاسی و اقتصادی خود با اتحادیه اروپا بهره برده است و این برای اتحادیه اروپا هزینه بردار بوده، از این رو اتحادیه اروپا به دنبال ایجاد و کشف راه های جدید همچون راه اندازی خط لوله ناباکو و روی آوردن به منابع دیگر انرژی (هسته ای، خورشیدی و...) برای کاهش وابستگی سنتی خود به انرژی در اختیار روسیه بوده است. در مقابل روسیه هم اکنون گاز مصرفی اروپا را تامین می کند و در آینده نقشی به مراتب مهم تر را ایفا خواهد کرد، روس ها که به این جایگاه حیاتی آگاه هستند، سعی کرده اند از ابزارها و شیوه های مختلفی برای حفظ انحصار خود بر بازارهای مصرف انرژی اروپا استفاده کنند. در این راستا پیش گرفتن سیاست

_____ مناقشه بر سر تامین انرژی؛ مطالعه موردی روابط روسیه و اتحادیه اروپا ◇

های متعدد همچون تاکتیک معروف به «بازی روسی»، «خرید گاز کشور های حاضر در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز»، «کنترل مسیرهای انتقال انرژی» و «پیگیری ایده تشکیل اوپک گازی» از جمله سیاست هایی محسوب می شوند که کرملین برای حفظ سلطه انحصاری بر گاز اروپا از آن ها بهره می گیرد.

منابع

منابع فارسی

- «ارائه پیشنهاد خرید گاز کمیسیون اروپا به ترکمنستان»، سایت *اطلاع‌رسانی ایراس*، ۲۸ تیر ۱۳۸۸. قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/pages/?cid=4998>

- امینی، آرمین، *روابط روسیه با ناتو و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران* (تهران: انتشارات گفتمان، ۱۳۸۸)

- بهمن، شعیب، «خط لوله ناباکو»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۵، بهار ۱۳۸۸.

- *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۵/۱۰/۲۳

- *روزنامه همشهری*، سه شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۲ - ۲۰۰۳/۷، شماره ۳۱۸۸.

- «روابط روسیه-اروپا در گرداب بحران انرژی»، *روزنامه اطلاعات*، سه شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۸۹.

- بی‌نا، «عضویت روسیه در اتحادیه اروپا حتمی است»، *روزنامه ابرار*، ۱۳۸۱/۲/۲۹.

- «ساخت خط لوله مستقیم گاز ایران به اروپا آغاز شد»، *نفت نیوز*، سه شنبه، ۱۸ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:

- عطری، فاطمه، «رقابت چین، اتحادیه اروپا و روسیه بر سر انرژی آسیای مرکزی»، *روزنامه همشهری*، ۱۳۸۸/۰۵/۲۸.

<http://www.naftnews.net/view-html>.

- وحیدی، موسی الرضا، «انرژی: عامل توسعه شکاف بین روسیه و اتحادیه اروپا»، *فصلنامه مطالعات مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۸۵.

منابع انگلیسی

- Euractiv, "Energy Makes Headway in EU Foreign Policies", 20/11/2006.

- International Herald Tribune, 20/10/2006.

- Leonard, Mark and Nicu Popescu, *A Power EU – Russia Relation* (London: European Council on Foreign Relation, 2007)
- Liechtenstein, Hildegard Von, "From Russia with Gas Forthcoming Political disasters for Europe in Energy Supply", *Working Program European Identities – Policies Section* (Bruxelles: Institute Thomas More, 2007).
- Rettmana, Andrew, "Warsaw threatening to veto new EU – Russia Pact", *Euobserver*, 10/11/2006.
- Smith, Mark A., "A Review of Russian Foreign Policy", *Defense Academy of the United Kingdom: Conflict Studies Research Centre*, 2007.
- <http://www.europe.eu.com>
- <http://www.prime-tass.com>